



معرفی کتاب خارجی

تغییر مذهب در ایران : دین و قدرت در عصر صفویه

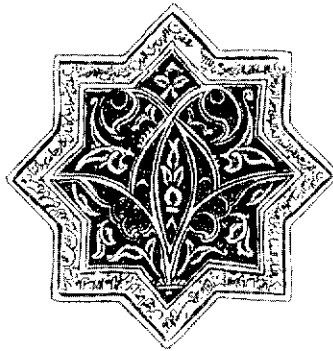
● محمد کاظم رحمتی

تألیف آلبرت حورانی (متوفی ۱۹۹۳ م) نخستین مطالعه موردی در تحولات دینی عصر صفویه است که با طرح موضوع مهاجرت علمای جبل عامل به ایران، توجه محققان عصر صفویه را به تغییرات مذهبی عصر صفویه و ریشه‌های آن جلب کرد.^۱ موضوع مهاجرت علمای جبل عامل به ایران عصر صفویه، جسته و گریخته در مطالعات عصر صفویه به عنوان مهم‌ترین عامل گسترش تشیع در ایران اشاره شده است. ظاهراً نخستین اثر تک نگارانه که مهاجرت علمای جبل عامل به ایران را مورد توجه قرار داده و در صدد بیان اهمیت این مهاجرت در تحولات دینی مذهبی عصر صفویه است، تحقیق علی مروه، التشیع بین جبل عامل و ایران (لندن، ۱۹۸۷) باشد. اهمیت خاص نوشته مروه را فقط باید در طرح موضوع مهاجرت علمای جبل عامل به ایران در غالب اثری تک‌نگارانه دانست، زیرا از حیث محتوا و چهار چوب ضعیف است. بی‌گمان موفق‌ترین تحقیق در باب مهاجرت علمای جبل عامل به ایران را باید کتاب الهجرة العاملیة الی ایران فی عصر الصفویة (بیروت: دار الروضه، ۱۴۱۰) از عالم شیمی لبنانی آقای جعفر المهاجر دانست که در بسیاری از جهات بر تحقیقات بعد از خود در این موضوع تأثیر نهاده است.^۲ در ایران نیز، تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، موضوع مهاجرت علمای جبل عامل موضوع دو پایان‌نامه از محمد علی رازنهان و مهدی فرهنگی منفرد در مقطع کارشناسی ارشد بوده است. تحقیق فرهنگی منفرد با عنوان «مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفویه» را انتشارات امیرکبیر (تهران، ۱۳۷۷) به چاپ رسانده است.

در مطالعات خاورشناسان نیز، به این موضوع پس از نگارش مقاله آلبرت حورانی توجه شده است. نخست اندرو نیومن در پایان‌نامه مفصل خود در باب ستیز بین اخبارگری و اصولی‌گری در تفکر

- **Converting Persia: Religion and Power in Safavid Empire,**
- **Rula Jurdi Abisaab,**
- **I.Btauris; London, Newyork, 2004 XII+244**
- **ISBN. 186064970X**

عصر صفویه، بی‌شک یکی از اعصار مهم در تاریخ ایران دوره اسلامی است و این اهمیت دست کم از دو جهت قابل توضیح است. نخست به جهت تغییر مذهب از تسنن به تشیع؛ و دیگری از حیث پربراری منابع تاریخ نگاری. این برهه که با وجود چاپ تعداد بی‌شماری از آثار آن دوره، هنوز نسخه‌های خطی گاه مهمی از آن تاریخ باقی مانده است که کوشش محققان را جهت احیا و تصحیح آنها طلب می‌کند. با این حال علی‌رغم کثرت مطالعات انجام شده در تاریخ سیاسی و اقتصادی عصر صفویه^۱، مطالعات انجام شده در بهینه‌تحوالات دینی این عصر تقریباً در سالیان اخیر و عمدتاً در پژوهش‌های آقای رسول جعفریان مورد توجه قرار گرفته که اینک تمام مقالات ایشان در مجموعه‌ای سه جلدی و با نام صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست (قم ۱۳۷۹ ش) در دسترس است.^۲ شاید دلیل اصلی بی‌توجهی محققان عصر صفویه، عدم آشنایی با منابع فقهی و مباحث این حوزه و از این مهم‌تر، خطی بودن بخش اعظمی از آثار فقهی فقهای عصر صفویه باشد. در هر حال، سالیان اخیر شاهد نگارش چندین اثر جدی در تاریخ تحولات دینی - مذهبی عصر صفویه بوده‌ایم.^۳ احتمالاً مقاله کوتاه «مهاجرت علمای جبل عامل به ایران»



امامیه، بخشی را به بحث از نزاع این دو جریان در عصر صفویه اختصاص داده و از این رهگذر به طرح موضوع مهاجرت علمای جبل عامل به ایران پرداخته و در مقاله‌ای مبتنی بر پایان نامه خود، دربارهٔ محقق کرکی (متوفی ۹۴۰ق) مهم‌ترین فقیه عاملی نسل نخست فقهای مهاجر به ایران بحث کرده است. بعد از وی، دون استوارت در بررسی خود از شکل‌گیری و تکوین فقه امامیه، ضمن ارائه نظرات خود به نقد آرای نیومن در باب میزان اهمیت مهاجرت فقهای عاملی مهاجر به ایران پرداخت و در چندین مقاله انتقادات خود را از برخی نظریات نیومن بیان کرد. تازه‌ترین تحقیق در این باب، پایان‌نامهٔ دکترای خانم رولا جوردی ابی‌سب است که انتشارات تائوریس آن را به چاپ رسانده و موضوع اصلی بحث این نوشتار است.

بعد از مقدمه‌ای کوتاه (ص ۱ - ۵)، نخستین فصل کتاب با عنوان پادشاهان صفوی و فقها: صفویه و فقهای مهاجر عرب (ص ۷ - ۳۰) با گزارشی از شکل‌گیری و تکوین دولت صفویه و اقدامات شاه اسماعیل اول (۹۰۷ - ۹۳۰ق) در تأسیس دولت صفویه شروع شده (ص ۷ - ۱۵) است. ابی‌سب در هر فصل از کتاب خود، با رعایت ترتیب تاریخی از حیات و زندگی مهم‌ترین و برجسته‌ترین فقهای آن عصر سخن گفته است. در فصل نخست، بحث را با محقق کرکی آغاز می‌کند و وی را مخترع الشیعه می‌خواند که بیشتر در آثار ضد شیعی در اشاره به محقق کرکی به کار رفته است.^۶ محقق کرکی نخستین فقیه مهاجر عاملی به ایران، تقریباً در همان اوان ظهور دولت صفویه به ایران مهاجرت کرده است. او در خانواده‌ای از فقهای شیعی در کرک نوح، نزدیک بعلبک به دنیا آمد و تحصیلات خود را نزد ابن خاتون عاملی و علی بن هلال جزائری (متوفی ۹۰۹ یا ۹۱۵ق) آغاز کرد. وی

همچنین در شام، عراق و مصر نزد عالمان اهل سنت علم آموخت. ابی‌سب سپس می‌نویسد: «کرکی مشتاق پیوستن به دربار شاه اسماعیل اول بود. در این امر، او و دیگر فقهای مهاجر عاملی در اقلیت بودند، چرا که عالمان شیعی خاصه در عراق هرگونه همکاری و پیوستن به نظام سیاسی را حتی تحت حاکمیت حاکمی شیعی مذهب چون شاه اسماعیل که ادعا داشت از نوادگان امام موسی کاظم (علیه السلام) است، رد کرده بودند» (ص ۱۵). توضیح خانم ابی‌سب در ادامه این مطلب در اشاره به دیدگاه سیاسی فقهای امامیه در زمان غیبت، عدم به رسمیت شناختن هرگونه حاکمیت سیاسی و غصبی دانستن حکومت و تعلق آن به امام عصر کاملاً درست است و تنها اشکال قابل طرح به گفته‌های ایشان اشاره به مخالفت عالمان شیعه در مناطق دیگر، خاصه عراق، برای همکاری با صفویه است. واقعیت آن است که در اوان ظهور صفویه، عالم به نام و مطرح شیعه در عراق، به جز شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی (متوفی بعد از ۹۴۴ق)، نمی‌شناسیم. از سوی دیگر موضوع همکاری با حکومت در زمان غیبت در میان فقهای شیعه حتی عالمان جبل عاملی نیز یک دست نبوده و برخی از عالمان عاملی از هرگونه تماس و نزدیکی با صفویه خودداری کرده بودند.^۷ خانم ابی‌سب، حیات سیاسی محقق کرکی در ایران عصر صفویه را (ص ۱۶ - ۲۰) همانند آنچه که در تحقیقات دیگر آمده، با اشاره به نخستین دیدار کرکی با شاه اسماعیل اول در سال ۹۱۰ق و در شهر اصفهان دنبال کرده است.^۸ در بحث از آرای فقهی محقق کرکی، از چند موضوع چون نماز جمعه و نظر محقق کرکی بر وجوب تخییری نماز جمعه (ص ۲۰ - ۲۲)،^۹ بحث از حلیت پذیرش خراج (ص ۲۲ - ۲۴)،^{۱۰} دیدگاه محقق کرکی دربارهٔ تصوف با اشاره به کتاب گمشده و مهم کرکی درباره این موضوع

را باز گفته که در آن حارثی به نقد محقق کرکی و عالم جوان تر معاصر خود، میر حسین بن حسن کرکی (متوفی ۱۰۰۱ق) نواده دختری محقق کرکی، پرداخته است. در بحث از آثار فقهی دیگر حارثی نیز خانم ابی‌سبب به نقد آرای محقق کرکی توسط حارثی در این تألیفات اشاره کرده است (ص ۳۵ - ۳۷). حارثی در بحث از تخییری یا تعیینی بودن نماز جمعه، بر خلاف محقق کرکی، قائل به وجوب تعیینی بود و در مسئله تعیین قبله عراق و خراسان نیز آرای محقق کرکی را با نگارش رساله‌های جداگانه به نقد کشیده بود. رساله «العقد الحسینی» حارثی اهمیت خاصی دارد. در منابع شرح حال نگارنده، غالباً همان گونه که ابی‌سبب نیز اشاره کرده، گفته شده که حارثی این رساله را به جهت درمان و سواس شاه طهماسب نگاشته است. ابی‌سبب محتوای فقهی این رساله را به بحث گذاشته (ص ۳۹ - ۴۱) که استوارت تحلیل مفصل آن را در مقاله‌ای که پیش از این به آن اشاره شد، آورده است.^{۱۵} در واپسین سخن از حارثی، ابی‌سبب به مشاغل حکومتی حارثی بعد از برکناری و عزل وی از منصب شیخ الاسلامی قزوین (در حدود ۹۷۰ق) اشاره کرده و دانسته‌های موجود درباره حیات حارثی از ۹۷۰ تا زمان مرگ وی در ۹۸۴ق را بیان کرده است (ص ۳۹ - ۴۱).

حوادث شگفت سیاسی پس از وفات شاه طهماسب در ۹۸۴ق و به قدرت رسیدن شاه اسماعیل دوم صفوی (حکومت ۹۸۴ - ۹۸۵) موضوع بحث ادامه این فصل با عنوان احیای تسنن، سیاست‌های شاه اسماعیل دوم در ترویج تسنن در ایران و موضع علمای مهاجر عاملی نسبت به این حرکت است (ص ۴۱ - ۵۲). دوران شاه اسماعیل دوم که بعد از منازعه جناح‌های مختلف دربار در پی مرگ شاه طهماسب در ۹۸۴ به قدرت رسید، در تاریخ صفویه به دلیل توجه اسماعیل دوم به تسنن و اقدامات وی در احیای تسنن مورد توجه محققان بوده و سعی شده تا علت چنین کاری را توضیح دهند. ابی‌سبب در اشاره‌ای گذرا، این توجیها را چنین یاد کرده است: استعمال مواد مخدر بر فکر و اندیشه شاه اسماعیل در پی مدت اقامت طولانی او در زندان قهقهه اثر نهاده بود؛ عده‌ای دیگر از انگیزه‌های روانی شاه اسماعیل در پی مدت طولانی زندان و مخالفت او با سیاست‌های پدرش در ترویج تشیع یاد کرده‌اند (ص ۴۱). اما همان گونه که ابی‌سبب نیز اشاره کرده به نظر نمی‌رسد که چنین دلایلی بتواند توجیه اعمال شاه اسماعیل

یعنی مطاعن المجرمیه فی رد الصوفیه (ص ۲۴ - ۲۶)^{۱۱} و بحث کوتاهی از موضوع سب و نگاشته مهم کرکی در این باب یعنی کتاب نفحات اللاهوت فی لعن الجبت و الطاغوت^{۱۲} پایان یافته است (ص ۲۶ - ۲۷).

نکته جالب توجهی که خانم ابی‌سبب به خوبی آن را در نظر داشته، بحث از ترجمه متون مذهبی (اعم از فقه، تفسیر، حدیث و کلام) به فارسی است که حلقه وصل فقهای عاملی به جامعه فارسی زبان شیعه ایران صفویه بوده است. همان گونه که ابی‌سبب اشاره کرده (ص ۲۷)، فقهای عاملی مهاجر چون محقق کرکی، علی بن هلال مشهور به منشار کرکی (متوفی ۹۸۴ق) و حسین بن عبدالصمد حارثی (متوفی ۹۸۴ق) که سه فقیه مهم و تأثیرگذار عاملی در پنجاه سال نخست حکومت صفویه بوده‌اند، تسلط چندانی به زبان فارسی نداشته‌اند که خود بتوانند آثاری را به فارسی بنگارند. این وظیفه را شاگردان ایرانی فقهای مهاجر برعهده گرفتند.^{۱۳} ابی‌سبب از این متون ترجمه شده از عربی به فارسی به کتاب الفیه شهید اول اشاره کرده که اثری متداول میان شیعیان آن دوره بوده است و از مترجمان زبردست متون عربی به فارسی به علی بن حسن زواره‌ای (زنده در ۹۴۷ق) از شاگردان محقق کرکی اشاره شده که آثار متعددی را به فارسی ترجمه کرده است.^{۱۴}

فصل دوم، «مجتهدان، حاکمان مطلق» (ص ۳۱ - ۵۲)، در حقیقت گزارشی تحلیلی از زندگی حسین بن عبدالصمد حارثی است. خانم ابی‌سبب بعد از گزارش کوتاه اما دقیق حیات این عالم برجسته عاملی (ص ۳۲ - ۳۳) که مبتنی بر تحقیقات دقیق استوارت است، بحثی کوتاه از رساله مختصر حارثی با عنوان «مناظره مع بعض علماء حلب فی الامامة» آن گونه که در نسخه‌ای از این کتاب در مجموعه ۱۱۶۱ کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی آمده، آورده است (ص ۳۲ - ۳۵). بحث اصلی این رساله - که از قضا چاپ انتقادی خوبی از آن سال‌ها قبل منتشر شد که ایشان از آن اطلاعی نداشته‌اند - گفتگوی حارثی با عالمی دمشقی در حدود ۹۵۱ق درباره تولی و تبری است. رساله دیگر حارثی، مسألتان موضوع بحث بعدی خانم ابی‌سبب است (ص ۳۵ - ۳۷). پیش از این دون استوارت در بحث عالمانه خود از رساله «العقد الحسینی» حارثی، پیش زمینه‌های غیر مملوس این رساله



دوم باشد. ابی‌سب به نقل از رومر علت این حرکت شاه اسماعیل دوم را تلاش وی در جهت کاستن از قدرت روز افزون علمای شیعه و تلاش برای محدود کردن اقتدار عالمان امامیه یاد کرده است. ابی‌سب (ص ۴۲) در تأیید این نظر رومر به دو دلیل دیگر نیز اشاره کرده است. نخست سیاست آشتی جویانه اسماعیل دوم در قبال حکومت عثمانی به دلایل و ملاحظات اقتصادی و سیاسی و دوم مخالفت عده‌ای از سران قزلباش با سیاست‌های اقتصادی شاه اسماعیل دوم که آنها را به تحریض علما در مخالفت با شاه واداشته بود. از این روسران برجسته قزلباش و علما، سیاست‌های میانه‌رو شاه اسماعیل دوم در قبال اهل سنت را دست‌مایه انتقاد از او قرار دادند. ابی‌سب در ادامه استنباطات خود درباره اخبار دوره شاه اسماعیل دوم می‌نویسد: «حتی اخبار تاریخی نگاشته شده توسط مورخان درباری درباره دوران شاه اسماعیل دوم و دلایل مرگ او، بی‌طرفانه نیست. این اخبار و گزارش‌ها را می‌باید به عنوان آنچه که طبقه حاکم و شاهان پس از اسماعیل دوم پذیرفته‌اند که داستان رسمی دوره شاه اسماعیل دوم باشد، پذیرفت» (ص ۴۲). ابی‌سب در توجیه چنین نظری به نبود هیچ مدرکی دال بر تمایل شاه اسماعیل دوم در احیای تسنن استناد کرده و تلاش‌های شاه اسماعیل دوم را تنها کوشش‌هایی برای تعدیل تشیع دانسته که شاه اسماعیل دوم به این منظور از برخی از عالمان سنی در ایران چون میر مخدوم شریفی^{۱۶} یاری گرفته است.^{۱۷}

تردید نیست که شاه اسماعیل دوم پس از به تخت نشستن نسبت به برخی از جناح‌های قزلباش خاصه امرای استاجلو، به دلیل حمایت وسیعی آنها در بر تخت نشاندن برادرش حیدر میرزا، همچنان بدگمان بوده است. همچنین به نظر نمی‌رسد تلاش‌های شاه اسماعیل دوم را صرفاً کوشش‌هایی برای تعدیل تشیع و نزدیک نمودن آن به تسنن باشد. قدرت بخشیدن شاه اسماعیل دوم به میر مخدوم شریفی که به تسنن شهرت داشت و تلاش برای ایجاد یک طبقه قدرتمند از عالمان اهل سنت و تقویت سنیان شهر قزوین را باید تلاش‌هایی جدی برای احیای تسنن دانست. میر مخدوم شریفی که خانم ابی‌سب (ص ۴۳ - ۴۵) ادامه بحث را به او اختصاص داده، چهره‌ای مهم در تحولات حکومت کوتاه مدت شاه اسماعیل دوم است. میر مخدوم شریفی نوه قاضی جهان

سیفی حسینی قزوینی (متوفی ۹۷۴ق)، وزیر اعظم دوران شاه طهماسب است. وی خود را از نسل سید شریف جرجانی (متوفی ۸۲۴ق) می‌دانست. میر مخدوم شریفی در اثر مهم خود، النواقض فی الرد علی الروافض اطلاعات مهمی درباره عصر شاه اسماعیل دوم آورده است. هرچند در صحت برخی از ادعاهای او، خاصه تأثیر گسترده وی بر شاه اسماعیل دوم، باید به دیده تردید نگریست. پایان بخش این فصل، گزارشی از مخالفت و اقدامات میر حسین کرکی با سیاست‌های تسنن گرایانه شاه اسماعیل دوم (ص ۴۵ - ۴۸)، قتل شاه اسماعیل دوم و تاجگذاری محمد خدابنده (ص ۴۸ - ۵۲) است.

که برای حل منازعات داخلی حکومت شاه عباس به مناطق مختلف فرستاده می‌شدند و از بحث درباره طهارت ذبایح اهل کتاب و نگارش ردیه‌هایی بر نگاشته‌های مبشران مسیحی در ایران سخن گفته است. منظومه «موش و گربه» شیخ بهایی به عنوان نمادی از رویکرد انتقادی به حکومت در ادامه این فصل مورد توجه ایبسیاب قرار گرفته است (ص ۶۸ - ۷۰). رویکرد منفی شیخ بهایی نسبت به دخالت در امور سیاسی در این رساله توجه محققان دیگر را نیز جلب کرده بود. میرداماد (متوفی ۱۰۴۱ق / ۱۶۳۲ - ۱۶۳۲م) عالم فیلسوف، فقیه دیگری است که در این فصل از او سخن می‌رود (ص ۷۱ - ۷۲). میرداماد که نوه دختری محقق کرکی است، ثمره ازدواج میر شمس الدین محمد استرابادی با یکی از دودختر محقق کرکی است. ایبسیاب در ادامه بحث از حیات میرداماد از نظام فکری میرداماد و برخی از آرای فلسفی او سخن گفته است (ص ۷۲ - ۷۹).

مواجهه عالمان مسلمان با مبشران مسیحی در عصر شاه عباس، به نگارش آثار متعددی منجر شده است.^{۱۸} شخصیت محوری در این میان، احمد بن زین العابدین علوی عاملی (متوفی ۱۰۵۴ق / ۱۶۴۴م) است. احمد علوی دو کتاب مهم در رد بر مسیحیت تألیف کرده است. او نخستین رساله خود را در ۱۰۳۰ق / ۱۶۲۰م و دومین کتاب خود را در ۱۰۳۲ق / ۱۶۲۲م تألیف کرده است. این رساله‌ها پس از آن تألیف شد که مبشر نامور مسیحی این عصر جروم خاویه (Jerome Xavier) در لاهور کتاب مشهور خود، آینه حق نما را به جهانگیر تقدیم کرد؛ رساله‌ای که در آن ضمن دفاع از عقاید مسیحیت به نقد آرا و دیدگاه‌های مسلمانان درباره مسیحیت نیز پرداخته بود. پیش از این رساله، خاویه در دو کتاب به نام‌های داستان مسیح و داستان پدور در باب سنت پیر (Saint Pierre) به شیوه عام فهم به تبیین آرای اعتقادی مسیحیان پرداخته بود. ایبسیاب تألیف آثار میر احمد علوی را از جهت دیگری نیز واجد اهمیت می‌داند و آن توجه فکری عامه مردم در باب نبرد با پرتغالی‌ها است. احمد علوی در آغاز کتاب مهم خود مصقل صفای رویای خود در باب تألیف کتاب به امر حضرت ولی عصر سخن گفته و به تفصیل همان دلایل سنتی بیان شده در متون اسلامی در انتقاد از مسیحیت را بیان کرده است (ص ۸۰ - ۸۱). پایان بخش این فصل، بحث از زندگی

فصل سوم (ص ۵۳ - ۸۷) با عنوان «شاه عباس و دوره سلطنت او به مثابه عصر شکوفایی روحانیت شیعه (۱۵۸۷ - ۱۶۲۱م)»، بعد از گزارشی از روند به قدرت رسیدن شاه عباس و سیاست‌های او در ایجاد سپاه جدید و کاستن از نفوذ قزلباش، حیات دینی در دوره شاه عباس را بررسی کرده است. تأثیر شکوفایی اقتصادی - سیاسی صفویه در عصر شاه عباس را در ابعاد دینی نیز می‌توان مشاهده کرد. فعالیت عالمان نسل نخست مهاجر عاملی به ایران چون محقق کرکی و شیخ حسین بن عبدالصمد حارثی، پرورش نسل جدیدی از عالمان ایرانی شیعه را در پی داشت که تأثیر آن را در دوره شاه عباس می‌توان مشاهده کرد. حرکت مهم فکری در دوره شاه عباس، نگارش شروع مختلف بر کتب اربعه حدیثی (یعنی کتاب‌های کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام و الاستبصار) است که در این زمینه نیز عالمان عاملی پیشتاز بوده‌اند. در عصر شاه طهماسب، حسین بن عبدالصمد حارثی (متوفی ۹۸۴ق) علاوه بر ترویج آثار مهم شهید ثانی (متوفی ۹۶۵ق) که زمینه ساز خوبی برای توجه به متون حدیثی شد، کتاب مهمی به نام و صول الاخیار الی اصول الاخیار تألیف کرد که یکی از مهم‌ترین متون مورد توجه در عصر صفویه در حوزه درایة الحدیث بوده است. در عصر شاه عباس، شیخ بهایی و میرداماد را باید جزء مهم‌ترین فقیهان عاملی دانست که خود با نگارش شروعی بر کتاب‌های اربعه و تألیف مجموعه‌های مختلف حدیثی، آغازگر حرکت شرح نویسی و تألیف کتاب‌های حدیثی بودند. هرچند در این زمینه فعالیت‌ها و تألیف‌های شیخ بهایی تأثیر گذارتر بوده و او شاگردان فراوانی تربیت کرده است. همان‌گونه که خانم ایبسیاب (ص ۵۹) خاطر نشان می‌کند، عصر شاه عباس شاهد نگارش نخستین رساله درباره نزاع اخبارگری و اصولی‌گری از عالم عاملی حسین بن شهاب الدین کرکی (متوفی ۱۰۷۶ق / ۱۶۵۶م) با عنوان «هدایة الابرار الی طریق الانمة الاطهار» است. ایبسیاب در این فصل، نخست به شرح حال شیخ بهایی پرداخته است (ص ۵۹ - ۶۱). عصر شاه عباس به دلیل نوع رویکرد شاه عباس، زمینه‌ساز فعالیت بیشتر علما در عرصه فعالیت‌های فکری جامعه بود. خانم ایبسیاب از این موضوع با عنوان استفاده شاه عباس از نظام روحانیت (ص ۶۱ - ۶۸) یاد کرده و از فعالیت‌های سیاسی فقها

از وجوب تخییری و تعیینی نماز جمعه بار دیگر در روزگار شاه عباس دوم با نگارش آثاری از سوی عالمانی چون محمد باقر سبزواری (متوفی ۱۰۹۰ق / ۱۶۷۱م) شیخ الاسلام اصفهان و فیض کاشانی که بر وجوب تعیینی نماز جمعه عقیده داشتند، به نگارش آثاری در این عصر منتهی شد که ابی‌سبب بحثی از این رساله‌ها آورده است (ص ۱۱۴ - ۱۱۸). مخالفت علما با صوفیه بحث پایانی این فصل است (ص ۱۱۴ - ۱۱۸). ابی‌سبب در این بخش رویکرد متفاوت علما نسبت به تصوف را بررسی کرده است. وی نخست به نقل از مرحوم عبدالحسین زرین کوب در کتاب جستجو در تصوف ایران می‌گوید عالمان به نام صفوی سرتیغ با تصوف نداشته‌اند. ابی‌سبب این گفته زرین کوب را با بررسی آثار سید نعمت‌الله جزائری (متوفی ۱۱۱۲ ق) خاصه کتاب الانوار النعمانیه، نقد و بررسی کرده است.

آخرین فصل کتاب به بررسی آخرین دهه‌های پایانی حکومت صفویه اختصاص یافته است. مرگ شاه عباس دوم در ۱۰۷۷ق / ۱۶۶۶م، آغاز سلطنت بیست ساله صفی میرزا دوم مشهور به شاه سلیمان (متوفی ۱۱۰۵ق / ۱۶۹۴م) و تداوم زوال قدرت صفویه است. این دوره را باید عصر مجلسین، محمد تقی (متوفی ۱۰۷۰ق) و محمد باقر (متوفی ۱۱۱۰ق) دانست که نمایندگان جریان معتدل اخباری‌گری‌اند. همانند بخش پیشین، ابی‌سبب از رساله‌های نماز جمعه که در این عصر تألیف شده، گزارشی آورده است (ص ۱۲۴ - ۱۲۶). همان‌گونه که اشاره کردم، این دوره را باید عصر دو مجلسی دانست و شگفت نیست که ابی‌سبب بحث خود را به محمد باقر مجلسی اختصاص داده باشد (ص ۱۲۶ - ۱۲۸). هرچند جای بحث درباره پدروی، یعنی محمد تقی مجلسی خالی است و ابی‌سبب می‌توانست بحثی مستقل درباره این فقیه نیز مطرح کند؛ با این حال ایشان در ضمن بحث از محمد باقر مجلسی، از پدر او و مناسبات وی با فقیهان دیگر عصرش سخن گفته است. مشهور است که محمد تقی مجلسی تمایلات صوفیانه داشته است، امری که به نظر نمی‌رسد خالی از واقعیت باشد چرا که در همان روزگار، محمد باقر مجلسی مجبور به رد چنین اتهامی به پدرش شده بود. اهمیت بحار الانوار به عنوان مهم‌ترین تألیف مجلسی مورد توجه ابی‌سبب قرار گرفته است، هرچند ابی‌سبب به مشارکت عده‌ای از عالمان صفوی تحت

دیگر فقیه برجسته عاملی عصر شاه عباس یعنی شیخ لطف‌الله میسی (متوفی ۱۰۳۲ق / ۱۶۲۲ - ۱۶۲۳م) است که مسجد مشهور شیخ لطف‌الله اصفهان را شاه عباس برای اوساخته است. مطلب مورد توجه ابی‌سبب درباره این فقیه، رساله «اعتکافیه» میسی است (ص ۸۱ - ۸۷).

شکوه فراهم شده در پناه رونق اقتصادی و سطوت نظامی شاه عباس اول، در دوره جانشیان وی آرام‌آرام روبه افول و زوال نهاد و جانشیان او نتوانستند اوضاع به وجود آمده را حفظ یا تقویت کنند. دوران سلطنت شاه صفی اول (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ق) و شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ق) آغاز زوال دولت صفویه است که موضوع مورد بحث ابی‌سبب در فصل چهارم است (ص ۸۹ - ۱۲۰). ابی‌سبب در این فصل نخست از زوال اقتصادی (ص ۹۱ - ۹۵) دولت صفویه سخن گفته و پس از آن به بحث از احوال مشهورترین فقیهان عاملی این عصر چون علی بن محمد بن حسن بن زین‌الدین شهیدی (متوفی ۱۱۰۳/۴ق / ۱۶۹۱م) و مؤلف اثر بسیار مشهور الدر المنثور من المأثور و غیر المأثور^{۱۹} و شیخ حر عاملی (متوفی ۱۱۰۴ق / ۱۶۳۹م) مؤلف کتاب امل الامل فی ذکر علماء جبل عامل پرداخته است (ص ۹۵ - ۹۶). در این دوران، ظهور عالمان برجسته ایرانی را در عرصه فرهنگ دینی صفویه شاهدیم. ابی‌سبب بحث از این فقیهان را با فقیه نامور میر علاء‌الدین حسین مشهور به خلیفه سلطان (متوفی ۱۰۶۴ق / ۱۶۵۴م) آغاز کرده است (ص ۹۹ - ۱۰۱). خیزش اخبارگری در این برهه از حکومت صفویه، موضوع دیگر بحث خانم ابی‌سبب در این فصل است که وی از آن با عنوان اخبارگری: معارضه با اصولی‌گری (ص ۱۰۵ - ۱۱۲) تعبیر کرده است.^{۲۰} توجه گسترده به حدیث، خاصه پس از فعالیت‌های عبدالله بن حسین تستری (متوفی ۱۰۲۱ق / ۱۶۲۱م)، زمینه‌های لازم برای پذیرش عقاید اخباری مهیا شده بود. محمد امین استرآبادی (متوفی ۱۰۳۶ق / ۱۶۲۶ - ۱۶۲۷م) با تألیف الفوائد المدنیه ضمن تبیینی جامع از اصول اخبارگری، انتقادات تندی از تفکر اصولی مطرح کرد.^{۲۱} تفکر استرآبادی به دلیل زمینه‌های کاملاً مساعد مورد توجه قرار گرفت و عالمان به نامی چون ملا محمد محسن فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۰ق / ۱۶۷۹م) و شیخ حر عاملی و حسین بن شهاب‌الدین کرکی هر یک با تألیف آثار متعددی به تفکر اخبارگری رسمیت بخشیدند. بحث

می توانستند خلأ ایدئولوژیکی دولت صفویه را برطرف کنند. سه ضمیمه آخر کتاب (ص ۱۴۷ - ۱۷۳)، به ترتیب فهرستی از علمای مهاجر به ایران در طی سال های ۱۵۰۱ تا ۱۷۳۶م (ص ۱۴۷ - ۱۵۲)، جدولی از مناصب و فعالیت های اداری عالمان مهاجر در چهار مقطع زمانی (ص ۱۵۳ - ۱۵۵) و فهرست بلندی از آثار نگاشته شده توسط فقهای عاملی است که بر اساس موضوعی تفکیک شده است (ص ۱۵۶ - ۱۷۲). اییساب در بخش اخیر فقط به ذکر نام آثار و مؤلفان آن اکتفا کرده و به باقی مانده بخش اعظم این آثار اشاره نکرده است. در ضمیمه نخست که اییساب آن را بر اساس تاریخ وفات عالمان عاملی فراهم کرده است (ص ۲۱۶، پانویس ۱) نام ۱۵۸ فقیه مهاجر عاملی ذکر شده است و شش مورد که مدرک قانع کننده ای از مهاجرت آنها به ایران در دست نبوده، با علامت ستاره مشخص شده است (ص ۲۱۶، پانویس دوم). درباره این فهرست سه نکته را می توان برشمرد. نخست درباره تاریخ وفات و حدود حیات برخی از عالمان عاملی است. اییساب (ص ۱۴۷) از علی بن حسن مشهور به ابن العودی جزینی نام برده و از حیات وی در ۹۶۲ق / ۱۵۵۴س سخن گفته است. این فقیه عاملی که شاگرد شهید ثانی نیز بوده پس از ۹۶۵، سال شهادت شهید ثانی، در شرح حال مشهور شهید ثانی به نام بغیة المرید فی کشف احوال زین الدین شهید را تألیف کرده است. نکته دوم تعدد نام افراد است. برای مثال حسین مجتهد (متوفی ۱۰۰۱ق / ۹۳ - ۱۵۹۲م) همان حسین بن حسن کرکی (قرن دهم / شانزدهم) است (ص ۱۴۷). نکته سوم، از قلم افتادن برخی از نام ها از این فهرست است که این اشکال به منابع کتاب بازمی گردد. حداقل یکی از فرزندان میر حسین کرکی و نوادگان وی که مقام شیخ الاسلامی قزوین را تا اواخر دوره صفویه در دست داشته اند، نامشان در این فهرست نیامده است.

کتاب شناسی مفصل کتاب (ص ۲۲۱ - ۲۳۳) خود از چند بخش تشکیل شده است. اییساب نخست (ص ۲۲۱ - ۲۲۲) به نسخه های خطی و آثار منتشر نشده اشاره کرده است که البته برخی از این آثار سال ها قبل به چاپ رسیده، اما مؤلف از چاپ آنها خبر نداشته یا به متن چاپی دسترسی نیافته است. از این آثار می توان به کتاب نفحات اللاهوت فی لعن الجبیت و الطاغوت

نظر مجلسی در تألیف این کتاب اشاره ای نکرده است (ص ۱۲۹). بخش هایی از بحار الانوار، یعنی اجازات، بعد از وفات مجلسی و به کوشش شاگرد وی یعنی افندی تکمیل شده است. فقیه برجسته دیگر این عصر، شیخ حر عاملی است که اییساب (ص ۱۳۰ - ۱۳۲) از زندگی و اهمیت این فقیه گزارش می دهد. جواز یا عدم جواز ذکر نام حضرت ولی عصر (ص ۱۳۲ - ۱۳۳) و بحث از استعمال توتون (ص ۱۳۳ - ۱۳۴) دو مبحث جدی فقهی در این عصر است که اییساب در این فصل مطرح ساخته است. بحث از استعمال توتون و تنباکو که از طریق پرتغالی ها به ایران وارد شده بود، یکی از مباحث جدی در نیمه دوم حکومت صفویه بوده است. عبدالحی رضوی کاشانی (متوفی بعد از ۱۱۴۱ق)، روحانی و عالم منتقد عصر صفوی که کتاب مهمی به نام حدیقة الشیعه از وی باقی مانده و به چاپ نیز رسیده، از رواج استعمال توتون و تنباکو خبر داده است. سید نعمت الله جزائری در الانوار النعمانیة (ج ۴، ص ۵۴ - ۶۰) و افندی در شرح حال شیخ علی نقی کمره ای در ریاض العلماء و حیاض الفضلاء (ج ۴، ص ۲۷۳ - ۲۷۶) به برخی از دلائل موافقان و مخالفان استعمال توتون اشاره کرده اند. جعفریان فهرستی از رساله هایی را که در باب این موضوع در عصر صفویه تألیف شده، آورده است.^{۲۲} بحث های مشابهی نیز در میان عالمان اهل سنت رواج داشته است. از این رساله ها، ظاهراً تنها رساله شیخ حر عاملی به چاپ رسیده که در اصل تلخیصی از رساله کمره ای است.^{۲۳}

تداوم ستیز و ناسازگاری میان فقها و صوفیه در این عصر نیز مشهود است. اثر بسیار مشهور شیخ حر عاملی، الاثنا عشریه فی الرد علی الصوفیه محور بحث اییساب درباره این موضوع در این دوره متأخر صفویه است (ص ۱۳۴ - ۱۳۷). اییساب (ص ۱۳۹ - ۱۴۵) در جمع بندی از مباحث مطرح شده در پنج فصل کتاب از لزوم و علت توجه دولت صفویه به عالمان جبل عامل سخن گفته است. اییساب (ص ۱۳۹) علت این توجه را نیاز دولت صفویه به نظام روحانیت شیعه برای ترویج تشیع دانسته و به نبود نظامی بدیل و مشابه جبل عامل در ایران عصر صفوی و افراط گری های قزلباش اشاره کرده و اظهار داشته که تنها راه برای دولت صفویه توجه به عالمان جبل عامل بوده است و آنها



۳- فهرست مهم ترین این آثار چنین است:

Albert Hourani, *From Jabal Amil to Persia*, BSOAS, 1986, pp. 133-140; Andrew J. New man, "The Myth of the clerical Migration to safavid Iran: Arab shii Opposition to Ali al- karaki and safawid shiism", *Die welt des Islams*, 33 (1993), pp. 66-112; Devin J. Stewart, "Notes on the Migration of Amili Scholars to safavid Iran", *Journal of Near Eastern Studies*, 55 (1996), pp. 81-103; Rula Jurdi Abisaab, "The ulama of Jabl Amil in Safavid Iran, 1501-1136: marginality migration and social change", *Iranin Studies*, 27 (1995), pp. 103-122.

آلبرت حورانی، «مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران»، کیهان فرهنگی، ترجمه مرتضی اسعدی، سال سوم، شماره ۸، آبان ۱۳۶۵، ص ۱۳-۱۶؛ دون. جی. استوارت، «نکاتی درباره مهاجرت فقهای عاملی به ایران در عهد صفویه»، کتاب ماه دین، ترجمه محمد کاظم رحمتی، شماره ۵۶-۵۷ (خرداد - تیر ۱۳۸۱)، ۸۲-۹۹؛ و دیولاجوردی ایسیاب، «علمای جبل عامل در دولت صفویه، نقش حاشیه ای یا مهاجرت و تحول اجتماعی»، حکومت اسلامی، ترجمه مصطفی فضائلی، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۷۷، ص ۲۰۸-۲۴۰ (بخش هایی از اصل مقاله در این ترجمه حذف شده است).

4- A. Hourani, "From Jabal 'Amil to Persia," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 49, 1986, pp. 133-140.

۵- با وجود اهمیت تحقیق آقای مهاجر، بررسی دقیقی از محتوای این کتاب انجام نشده است. نگارنده نیز در این مجال قصد نقد و بررسی این کتاب را ندارم و تنها به تذکر یک نکته اکتفا می کنم. مهاجر در انتهای کتاب خود، فهرستی از فقهای مهاجر آورده است. در این فهرست خطاهایی وجود دارد، از جمله آن که مهاجر در مواردی، بعضی از افراد را به دلیل عدم شناخت آنها، دوبار ذکر کرده است. از این موارد می توان به سید حسین بن حسن بن جعفر کرکی (متوفی ۱۱۰۰ق)، نوه دختری محقق کرکی اشاره کرد (مهاجر، ص ۲۴۵) که نخست با عنوان سید حسین بن حسن کرکی معرفی شده که در اصفهان

محقق کرکی که ایسیاب از نسخه خطی کتابخانه مجلس مجموعه ۱۷۰۳ بهره برده و کتاب مناظره مع بعض علماء حلب فی الامامة از حسین بن عبدالصمد حارثی اشاره کرد. ۲۴ برخی از آثار خطی استفاده شده ایسیاب نیز به تازگی منتشر شده است، چون البلغة فی بیان اعتبار اذن الامام فی شرعية صلاة الجمعة از حسن بن علی کرکی (مجموعه ۴۶۹۷ مرعشی)، رساله فی (تطهیر) الحصر و البواری و سهم الامام (مسألان) (مجلس شماره ۱۸۳۶) و الاعتکافیه لطف الله میسی (آستان قدس رضوی مجموعه ۲۳۴۴) منابع اولیه (ص ۲۲۲ - ۲۲۶) و تحقیقات (ص ۲۲۶ - ۲۳۲) به طور کامل از هم تفکیک شده است و تنها اشکال ذکر تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال در بخش تحقیقات است (ص ۲۳۰) که می باید در بخش منابع اولیه به آن اشاره می شده است. نام چند پایان نامه منتشر نشده مورد استفاده نیز (ص ۲۳۳) جداگانه آمده است. پایان بخش کتاب، نمایه (ص ۲۳۵ - ۲۴۲) است. تعلیقات و پاورقی ها نیز جداگانه (ص ۱۷۵ - ۲۱۹) آمده است. اهمیت اصلی کتاب ایسیاب در ارائه تصویر مهاجرت علمای جبل عامل در بافت و زمینه سیاسی-اقتصادی تحولات عصر صفویه است. با این حال مطالب جدید و بکر چندانی در این کتاب قابل مشاهده نیست و مباحث متعددی از این کتاب در حقیقت تلخیص گونه ای از مقالات حجت الاسلام رسول جعفریان است.

پی نوشت ها:

۱- برای فهرست تقریباً کامل این مطالعات، همراه با منبع شناسی نسبتاً خوبی از منابع عصر صفویه بنگرید به: جهان بخش ثوابق، تاریخ نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ، شیراز ۱۳۸۰ش.

۲- بخش هایی از مقالات منتشر شده در این مجموعه، بیشتر در دو اثر دیگر ایشان که در قالب کتاب منتشر شده اند، نیز قابل دسترسی است. عناوین این دو اثر چنین است: دین و سیاست در عصر صفوی و علل برافتادن صفویه.

او ناراضی بودند، کاملاً شتابزده است. قطیفی که از مخالفان برخی از آرای فقهی کرکی بوده، به هیچ رو از حیث فقهی در طراز محقق کرکی نیست و تمجید جابری از او و بزرگ انگاشتن وی خطاست. جابری در ادامه به برخی از آرای کرکی اشاره کرده (ص ۲۵۸ - ۲۵۹) و گفته است: «و یدوان الشیخ الکرکی علی رای الشیبی قد افرط فی تأیید مستحذات الدولة الصوفیه بحیث وافق علی امور لا یجوز فی الشرع الموافقة علیها. کلها أو بعضها» (ص ۲۵۸). به وضوح روشن است که جابری آشنایی درستی با فقه امامیه ندارد و آنچه که او به عنوان اختراعات محقق کرکی نام برده، به هیچ رو سخنان جدیدی نیست و در آثار فقهای پیش از او نیز آمده است. کافی است که آرای کرکی را با اقوال فقهی علامه حلی مقایسه کرد تا ناآشنایی جابری با فقه شیعه را دریافت. هر چند نگارنده منکر این مطلب نیست که برخی از آرای فقهی محقق کرکی خاص وی بوده، اما این آرا به دلیل پیوستن وی به دولت صفویه و جلب رضایت آنها نبوده است. از این مسائل می توان به جواز سجده بر تربت پخته شده به آتش یا بی اشکال بودن تعظیم به شاه و امرا در صورتی که شخص به نیت احترام چنین کاری را انجام دهد، برشمرد. برای بحث از مطلب نخست بنگرید به رساله محقق کرکی با عنوان «السجود علی التربة المشویه»، چاپ شده در حیات المحقق الکرکی و آثاره، ج ۴، ص ۲۲۳ - ۲۴۴. همان گونه که حسون نیز اشاره کرده، قطیفی در این رای با محقق کرکی مخالف بوده است. گفته های محمد باقر مجلسی درباره علت نزاع قطیفی و محقق کرکی جالب توجه است. (بنگرید به افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۱، در شرح حال ابراهیم بن سلیمان قطیفی).

۹- برای گزارشی کامل از بحث فقهی نماز جمعه در عصر صفویه و رساله تألیف شده در این باب بنگرید به: رسول جعفریان، «نماز جمعه در دوره صفوی»، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۲۵۱ - ۳۳۳.

۱۰- برای بحثی درباره این موضوع و دیگر رساله های نگاشته شده در این باب بنگرید به: رسول جعفریان، «گزیده منابع فکر و فقه سیاسی در دوره صفویه»، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۱۶۴ - ۱۸۳.

۱۱- برای بحثی کامل از منازعات میان صفویه و فقها در دوره صفویه بنگرید به: رسول جعفریان، «رویارویی فقیهان و صوفیان در دوره صفوی»، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۲، ص ۵۱۵

سکونت داشته و منصب صدر را در زمان سه شاه صفوی به توالی برعهده داشته است. بعد از شرح حال وی بلافاصله از امیر سید حسین بن حسن کرکی به عنوان فقیه مهاجر دیگری یاد شده است. در مواردی نیز مهاجر از فقهای نام برده که باید آنها را تنها از حیث خاستگاه عاملی به حساب آورد. از این موارد، نوه حسین بن عبدالصمد حارثی (متوفی ۹۸۴ق)، یعنی حسین بن عبدالصمد بن حسین بن عبدالصمد حارثی را باید نام برد که خود و پدرش هر دو در ایران متولد شده اند، ولی از جمله فقهای مهاجر (ص ۲۴۶، ۲۵۳) به حساب آمدند که چندان دقیق نیست و باید به نحوی تولد این افراد در ایران مورد اشاره قرار می گرفت. همین مطلب درباره شاخه اعرجی خاندان محقق کرکی (نوادگان دختری)، یعنی فرزندان میر حسین کرکی صادق است که ظاهراً جملگی در ایران به دنیا آمده اند، ولی در فهرست فقهای مهاجر آمده اند. آنچه که به طور قطع درباره افراد مهاجر خاندان اعرجی می دانیم، مهاجرت میر حسین کرکی از جبل عامل به ایران (شهر اردبیل) در دوران شاه طهماسب است. با این توضیحات، در این آمارها باید تجدید نظر کرد. فرهانی (ص ۹۴) و صفت گل (ص ۱۴۷ - ۱۴۸) نیز اطلاعات آماری مهاجر را بدون توجه به این نکات نقل کرده اند.

۶- مهم ترین و جامع ترین تحقیق درباره محقق کرکی و آثار وی مجموعه دوازده جلدی با عنوان حیات المحقق الکرکی و آثاره به کوشش و تحقیق محمد الحسنون است (قم ۱۴۲۳). حسون در جلد نخست از زندگی سیاسی و سوانح حیات کرکی سخن گفته و در جلد دوم تحقیق جامعی درباره آثار محقق کرکی عرضه کرده است. حسون در دیگر مجلدات آثار باقی مانده از محقق کرکی را به چاپ رسانده است.

۷- برای بحثی از دیدگاه سیاسی محقق کرکی نسبت به دولت صفویه همچنین بنگرید به بحث محمد الحسنون در حیات المحقق الکرکی و آثاره، (ج ۱، ص ۴۸۲ - ۴۸۸). مطلب جالب توجهی که حسون به خوبی به آن توجه کرده، گفته های محقق کرکی در رساله الخراجیه خود است که در آن پادشاه صفویه را سلاطین جور معرفی کرده است.

۸- بنگرید به علی حسین الجابری، الفکر السلفی عند الشیعة اثنا عشریه (بیروت - پاریس ۱۹۷۷، افست قم ۱۴۰۹ق)، ص ۲۵۶ - ۲۶۲. داوری های جابری درباره محقق کرکی آشفته، شتابزده و مبتنی بر نوشته های کامل مصطفی شیبی است. گفته جابری که بسیاری از عالمان شیعه معاصر کرکی (ص ۲۵۷) از مشی فقهی و سلوک سیاسی

- ۶۰۴- جعفریان رساله مهم «اصول فصول التوضیح» که متن مناظره مکتوب میان محمد تقی مجلسی (متوفی ۱۰۷۰ق) و ملا محمد طاهر قمی است تصحیح و در همین جلد (ج ۲، ص ۶۰۵-۶۵۸) به چاپ رسانده است.
- ۱۲- این کتاب چندین بار به چاپ رسیده است. آخرین چاپ آن به کوشش محمد الحسون در حیاة المحقق الکرکی و آثاره، (ج ۵، ص ۳۲۹) به بعد است. محقق کرکی رساله کوتاه دیگری به نام تعیین المخالفین لامیرالمومنین علیه السلام دارد که ابی‌سبب به آن اشاره ای نکرده است. متن این رساله را نیز حسون (ج ۵، ص ۳۱۷-۳۲۷) منتشر کرده است.
- ۱۳- نمونه‌ای جالب توجه از این موارد رساله فقهی «انیس التوابین» است که شاگرد محقق کرکی، حافظ کاشانی، آن را به فارسی و بر اساس آرای فقهی محقق کرکی تالیف کرده است. برای متن این رساله بنگرید به: حیاة المحقق الکرکی و آثاره، ج ۶، ص ۴۶۳-۴۹۶.
- ۱۴- برای فهرست کاملی از شاگردان محقق کرکی بنگرید به: محمد الحسون، حیاة المحقق الکرکی و آثاره، ج ۲، ص ۱۲۱-۱۶۲. برای بحثی از حرکت ترجمه متون عربی به فارسی در عصر صفویه بنگرید به رسول جعفریان، جنبش ترجمه متون دینی به پارسی و نقش آن در ترویج تشیع در دوره صفوی، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۳، ص ۱۰۹۷-۱۱۴۰.
- ۱۵- این رساله حارثی اهمیت مهمی برای فهم علل رنجیدن او از دولت صفویه و مهاجرت وی در اواخر عمر از ایران به بحرین دارد. جابری (الفکر السلفی، ص ۲۶۶-۲۶۷) در بحث از حارثی به نقل از علی الوردی از دوگانگی حیات حارثی سخن گفته و مهاجرت وی از ایران در اواخر عمرش را میل حارثی به زهد و تصوف دانسته است.
- ۱۶- یکی از منابع مهمی که ابی‌سبب در بحث از عصر شاه اسماعیل دوم به آن اشاره ای نکرده، کتاب تراجم الاعیان من أبناء الزمان تألیف حسن بن محمد بورینی (۹۶۳-۱۰۲۴ق) است. این کتاب از منابع بسیار مهم در شرح حال عالمان سنی مذهب در عصر صفویه ساکن در مناطق شام است و اشارات مهم و گاه منحصربه فردی به برخی از عالمان سنی مهاجر به این منطقه در بردارد. این متن را صلاح الدین منجد در دو جلد (دمشق، ۱۹۵۹-۱۹۶۳م) به چاپ رسانده است. در این کتاب شرح حال میرمخدوم شریفی (ج ۲، ص ۵۲-۵۶)، شاه اسماعیل دوم (ج ۲، ص ۵۷-۶۰)، خان احمد گیلانی (ج ۱، ص ۱۵۶-۱۵۸) و سید شرف الدین حسنی از سادات لاله سنی (ج ۲، ص ۲۳۷) آمده است. اشعار فارسی زیبایی از شاعران پارسی زبان که به دمشق سفر کرده اند، نیز در این کتاب نقل شده است (ج ۲، ص ۱۶۷-۱۶۹، ۱۷۱-۱۷۵). گزارش بورینی درباره بایزید فرزند سلطان سلیمان قانونی که در عصر شاه طهماسب به ایران گریخت، بسیار با اهمیت است و از قول یکی از همراهان وی که به شام گریخته، نقل شده است (ج ۱، ص ۲۳۴-۲۳۸).
- ۱۷- برای دو گزارش بسیار مهم درباره شاه اسماعیل دوم در منابع سنی آن دوره که مورد استفاده ابی‌سبب نبوده بنگرید به: نجم الدین الغزی، الکواکب السائرة باعیان المئة العاشرة، تحقیق جبرائیل سلیمان جبور (بیروت، ۱۹۷۹)، ج ۳، ص ۱۳۵-۱۳۶.
- ۱۸- برای بحثی از این موضوع و آثار تالیف شده در این باب بنگرید به: رسول جعفریان، «ادبیات ضد مسیحی در دوره صفویه»، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۳، ص ۹۶۵-۱۰۰۰.
- ۱۹- این کتاب بسیار با ارزش، بیشتر حالت جنگی حدیثی - رجالی دارد. با وجود اهمیت فراوان این کتاب، بحث مستقلی درباره آن تا به حال تالیف نشده است.
- ۲۰- با وجودی که ابی‌سبب در بحث از اخباری گری به منابع مهم و دست اول مراجعه کرده، از تحقیق بسیار مهم علی حسین الجابری با عنوان الفکر السلفی عند الشیعة الاثنا عشریه (بیروت - پاریس ۱۹۷۷) بهره نبرده است. بحث جابری در این کتاب در احیاء اخبارگری عصر صفویه و تأثیرات کتاب استرآبادی بسیار مهم و با اهمیت است.
- ۲۱- برای گزارشی ارزشمند از آرای استرآبادی بنگرید به علی حسین الجابری، الفکر السلفی، ص ۲۷۷-۳۲۱.
- ۲۲- «توتون و تنباکودر دوره صفوی به ضمیمه رساله شیخ حرعاملی»، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست (قم، ۱۳۷۹)، ج ۳، ص ۱۱۴۵-۱۱۴۶.
- ۲۳- جعفریان، همان، ج ۳، ص ۱۱۴۸-۱۱۵۳.
- ۲۴- این رساله با عنوان مناظره و به تحقیق شاکر شیع (قم: مؤسسه قائم آل محمد، ۱۴۱۲ق) و بر اساس هفت نسخه به چاپ رسیده است. خبر چاپ این کتاب و دست یابی به این چاپ را نگارنده وام دار تذکر محقق ازجمند حجت الاسلام سید محمد رضا جلالی حفظه الله تعالی است.